



آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی (ع)

● اکرم امانی

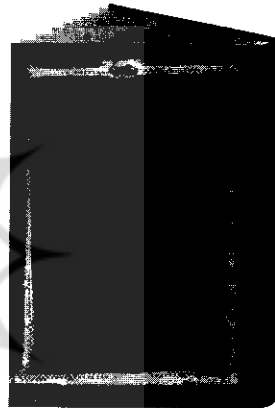
است از علم و ادراک خاصی که از راه تزکیه نفس و تصفیه جان به دست می‌آید، زیرا بر اثر سیر و سلوک شرعی معمولاً مکاشفاتی نصیب سالک می‌شود.^۱

زیباترین کلام امام علی (ع) درباره تأثیر عرفان ناب در شئون وجودی انسان است که می‌فرماید: «عارف راستین کسی است که عقل خویش را زنده کرده و تمام هواهای نفسانی را با ریاضت و بندگی حق میرانده است، تا جایی که اندام درشت او باریک شده و ستبری قلب او نرم شده و برقی بسیار پرفروغ برای او درخشیده و راه برای او روشن شده و او را به مسیر حق حرکت داده و از دری به دری برده است تا او را به در سلامت و خانه اقامت کشانده و دویای او در قرارگاه امن و آسایش استوار گردیده، زیرا انسان عارف قلب خود را در معرفت حق به کار بسته و پروردگار خویش را راضی کرده است».^۲

مبحث کلیدی دیگر که در مقدمه بدان اشاره شده، مسئله عشق و رابطه آن با عرفان است. عشق از مسائل بنیادی عرفان و تصوف اسلامی است چندان که بدون در نظر گرفتن آن، عرفان و حکمت متعالیه قابل فهم نیست،^۳ چرا که عشق مایه اصلی و جوهر حقیقی عرفان است.

فصل اول با عنوان شناخت‌شناسی عرفانی شامل این عناوین است: تعریف، تقسیم و امکان شناخت، شناخت عرفانی، تعریف شناخت عرفانی، قلمرو شناخت عرفانی و ملاک و معیار صحت در شناخت عرفانی.

در شناخت عرفانی مسیر معرفت هستی با قلب، که یکی از ظریف‌ترین ابزار شناخت است، پیموده می‌شود. کسانی که از راه تزکیه نفس و تصفیه قلب به درک حقایق هستی می‌رسند، توان شناخت اسرار عالم ملک و نشئه طبیعت را پیدا کرده و از این راه بدون آنکه متحمل رنج شوند به حوادث گذشته و آینده، علم



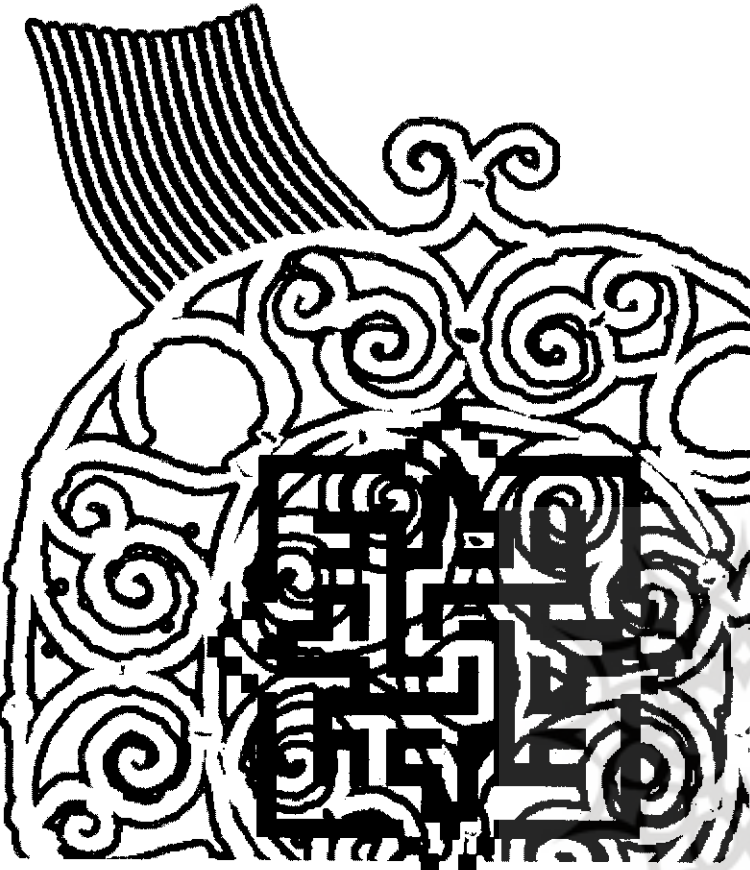
■ آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی (ع)

■ محمد امین صادقی ارزگانی

■ بوستان کتاب، ۱۳۸۴

کتاب حاضر در یک مقدمه و چهار فصل تنظیم شده است و مؤلف پیش از شروع مطالب اصلی در مقدمه به بررسی و تحلیل مسائلی همچون تعریف لغوی و اصطلاحی عرفان، طرح دیدگاههای بزرگان، عرفان از دیدگاه علی (ع)، تأثیر عرفان ناب در شئون وجودی انسان، تقسیم عرفان به نظری و عملی، تفاوت عرفان با فلسفه و اخلاق و رابطه آن با عشق می‌پردازد.

یکی از خسارت‌های غم‌انگیزی که بشر در طول تاریخ بهای سنگینی برای آن پرداخته، تحریف معانی کلمات و بازی با الفاظ است. واژه «عرفان» نیز که از پرجاذبه‌ترین کلمات بوده و مفهوم آن از پرمحتواترین مفاهیم است به سرنوشت تلخ بسیاری از کلمات دیگر گرفتار شده است؛ عرفان را در لغت به معنای شناختن، آگاه شدن، دانستن و باز شناختن می‌دانند، اما عرفان در اصطلاح عبارت



و آگاهی پیدا می‌کنند. شناخت عرفانی نیازمند اصول و ضوابط معرفت‌شناسی عرفانی است تا به واسطه آنها مشاهدات صحیح از غیر صحیح بازشناسی شده و تمییز داده می‌شوند.

نویسنده در فصل دوم، یعنی هستی‌شناسی توحیدی، این موضوعات را بررسی کرده است: نظریه کثرت وجود، نظریه وحدت در عین کثرت، نظریه وحدت وجود عرفانی، دیدگاه مشترک عرفان و حکمت متعالیه در وحدت وجود، وحدت وجود از دیدگاه نهج‌البلاغه، توحید الهی و توحید وجودی، مباحث توحیدی نهج‌البلاغه، تبیین چهره عرفانی این بحث و وحدت تجلی.

وحدت وجود در حقیقت اساس جهان‌بینی عرفانی را تشکیل می‌دهد، طرفداران وحدت وجود معتقدند که این نظریه ریشه در معارف وحی و سخنان معصومین (ع) دارد. آنها مدعی‌اند که این فکر و برداشت از هستی ره‌آورد جهاد اکبر و تلاش سفر ملکوتی آنان بوده و حاصل دریافت شهودی و علم حضوری آنان از حقایق هستی است. در مقابل، مخالفان این دیدگاه با استناد به بعضی از کلمات متشابه بزرگان اهل معرفت و در مقاطع مختلف زمانی با این نظریه جنگیده و احیاناً اهل توحید را با چماق تکفیر به شدت کوبیده‌اند.^۴

یکی دیگر از مباحث این فصل، وحدت وجود از دیدگاه نهج‌البلاغه است، که در سه قسمت الف) فصل الخطاب گفتار علوی درباره توحید وجودی، ب) تبیین رابطه حق سبحانه با هستی، و ج) کلام عمیق علامه شعرانی در تفسیر دیدگاه نهج‌البلاغه درباره آن بحث شده است. مسئله وحدت وجود گذشته از شهود عرفانی در متون دینی (آیات و روایات) نیز ریشه دارد و به نظر می‌رسد بهترین تعبیرات درباره وحدت وجود، تعبیر حضرت امیرمؤمنان علی (ع) است که در نهج‌البلاغه فراوان آمده، از جمله اینکه فرمودند: «از اینکه برخی پدیده‌ها را ضد دیگری آفرید، نبودن ضدی برای او دانسته گردید و با سازواری که میان چیزها پدید آورد، دانسته شد که برای او قرینی تصور نتوان کرد... نه در چیز درون است و نه برون از آن.»^۵

حال در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که عرفان نهج‌البلاغه با کدام یک از مکتبها و روشهای عرفانی توافق دارد؟ و در

کدام قالب عرفانی می‌توان آن را مطرح کرد؟ پاسخ این است که نهج‌البلاغه از جهتی به مکتب زهدی و از جهاتی به مکتب معرفتی و مکاشفه‌ای شباهت دارد. به علاوه اخلاق اسلامی که در میان صوفیان بوده در نهج‌البلاغه هم هست. زهد که مؤلفه اساسی عرفان زهدی - شریعتی است در نهج‌البلاغه به غایت مورد تأکید است. در جایی در نهج‌البلاغه آمده است: «انظروا الی الدنیا نظر الزاهدین فیها الصارفین عنها: به دنیا همچون پارسایان و رویگردانان از آن نگاه کنید».

تأکید بر محبت در ارتباط انسان و خدا، تجربه حضور خداوند و کشف شهود و بازشدن اینگونه مناظر برای عارفان از جمله موارد قرابت و شباهت مکتب عرفانی نهج‌البلاغه با مکتب عرفانی مبتنی بر عشق و محبت و کشف و شهود و معرفت و مکاشفه است.^۶

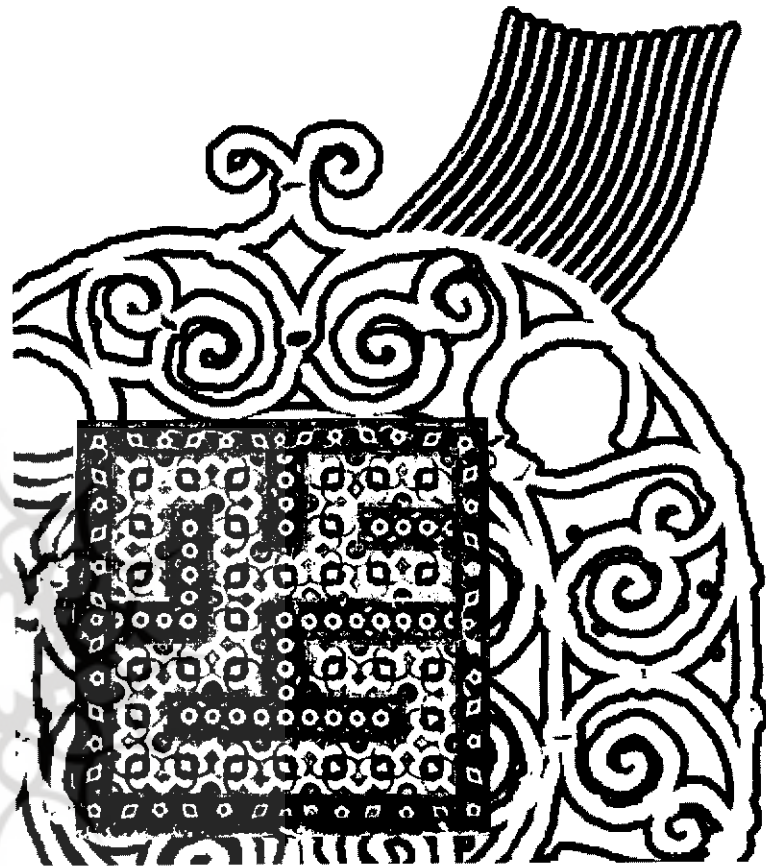
آخرین مبحثی که در این فصل درباره آن سخن رفته بحث وحدت تجلی است که بعد از مسئله وحدت وجود نقش بسیار قابل توجهی در جهان‌بینی عرفانی دارد. مؤلف در این باره سه دیدگاه را بیان کرده است: نظریه عامیانه اهل کلام که به تعداد موجودات هستی،

ادبیات اسلامی، ضرورت وجود انسان کامل در نظام هستی، جایگاه انسان کامل در نظام هستی، گستردگی قلمرو خلافت انسان کامل، خلافت و مظهریت ربوبی، خلافت حق و قدرت تصوف در عوالم هستی، هماهنگی کتاب تکوین و تدوین و جامعیت انسان کامل، رفرع عروج از دیدگاه اهل معرفت، مصداق انسان کامل و نقد و ارزیابی دیدگاهی که عرفان را با اسلام در معرفی انسان کامل هماهنگ ندانسته است.

اساسی‌ترین بحث در عرفان نظری پس از توحید، مسئله انسان کامل است به طوری که زیربنای اصلی مسائل عرفان را این دو بحث تشکیل می‌دهند و سایر مباحث در عرفان مقدمات این دو مسئله به حساب می‌آیند. بنابراین یکی از عمیق‌ترین معارف الهی و انسانی که باید در بحث آموزه‌های عرفانی از منظر علی (ع) طرح و تبیین شود، مسئله شناخت انسان کامل است.^۸

انسان کامل ولی مطلق در روی زمین است. انسان کامل و مصدق آن هیچ‌گاه آسمان هدایت و روشنایی را خالی نمی‌کنند و همیشه و همه‌جا چراغ راه آدمیان‌اند. علی (ع) پیامبر را اسوه کامل خود و دیگر طالبان و سالکان طریقت معرفی می‌کند. در نهج‌البلاغه آمده است که «بی‌شک پیامبر (ص) برای تو یک الگوی کافی است و همین امر تو را گواه و راهنماست بر ناپسندی دنیا و عیب آن و فراوانی رسوایی و زشتیهای آن، زیرا تمام دنیا و تمتعات آن از او گرفته شد و از زر و سیم و اندوخته‌های آن برکنار گردید».^۹

نویسنده در این فصل به بررسی تاریخ پیدایش اصطلاح «انسان کامل» می‌پردازد و بیان می‌کند که این تعبیر برای اولین بار در قرن هفتم و در آثار محیی‌الدین عربی و عطار نیشابوری مطرح شده است و در این باره به بحث و توضیح می‌پردازد، وی در ادامه به ضرورت انسان کامل در نظام هستی و به بررسی چند دیدگاه می‌پردازد از آن جمله دیدگاه اهل کلام، اهل حکمت، اهل معرفت و نهج‌البلاغه است. سخن عرفا کاملاً با دیدگاه پیروان اهل بیت یکی است که معتقدند زمین هیچ‌گاه از حجت حق خالی نیست. جالب آنکه ضرورت وجود انسان کامل نه تنها در دنیا، بلکه در آخرت نیز مطرح است، زیرا انسان کامل در آخرت هم واسطه



برای خداوند فاعلیت قائل‌اند و معتقدند که به عدد اشیا، فاعلیت خداوند کثرت دارد. نظریه دوم از آن حکماست که گرچه به خلقت‌های متعدد قائل‌اند و معتقد به کثرت در فاعلیت حق هستند، خلقت طولی و با واسطه را برای خداوند مطرح کردند و این چنین می‌گویند که خداوند ابتدا عقل اول را آفرید و به واسطه آن عقل دوم و سوم را آفرید و به همین ترتیب آفرینش را ادامه داد تا به عقل فعال رسید. نظریه سوم این است که یکی از حقایق لطیف در بحث تجلی حق سبحانه حدیثی قدسی است که راز آفرینش را به خوبی بیان کرده، می‌فرماید: «كنت كنزاً مخفياً فاجبت أن أعرف، فخلقت الخلق لكي أعرف». عرفا درباره این حدیث معارف عمیقی را مطرح ساختند و خواسته‌اند که تصور خود را از نظام آفرینش در پرتو این حدیث بازگو کنند. از این رو، مدعی‌اند که اساس آفرینش را عشق تشکیل می‌دهد.^۷

مؤلف در فصل سوم با عنوان «شناخت انسان کامل» این مباحث را پی می‌گیرد؛ تاریخ پیدایش اصطلاح انسان کامل در

نهج البلاغه و دیدگاه آن حضرت بهره برده است.^{۱۲} با وجود این، باید یادآور شد که علی‌رغم کاستیهای موجود و اشتباهات ناشی از تایپ و چاپ، کتابی خواندنی است.

پی‌نوشتها:

۱. صادقی ارزگانی، محمدمبین، آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی، بوستان کتاب، ص ۲۱-۲۲.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۲۰.
۳. زمانی، کریم، میناگر عشق، تهران، نی، ۱۳۸۲، ص ۴۳۲.
۴. صادقی ارزگانی، همان، ص ۹۱.
۵. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، خطبه ۱۸۶.
۶. قنبری، بخشعلی، «عرفان در نهج البلاغه و مبانی آن»، (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران)، ۱۳۷۵، ص ۳۵.
۷. صادقی ارزگانی، همان، ص ۱۵۹ - ۱۶۰.
۸. همان، ص ۱۶۷.
۹. قنبری، بخشعلی، حکمت و معنویت، تهران، معارف، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷.
۱۰. صادقی ارزگانی، همان، ص ۲۴۷.
۱۱. مائده، ۵۵.
۱۲. بنگرید به آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی، فصل اول، فصل دوم، ص ۸۹-۱۱۲، فصل سوم، ص ۱۶۵ - ۱۷۵.



فیض الهی است پس وجودش ضرورتی مستمر دارد. یکی از مباحث مهمی که در این فصل ذکر شده بحث اسفار اربعه و سفرهای چهارگانه‌ای است که به صورتهای گوناگون و اهداف مختلف در آثار عرفانی عنوان شده است و اهل معرفت معتقدند که برای رسیدن به مقام خلافت الهی و رسیدن به کمال انسانی باید چهار مرحله صعب‌العبور را بپیماید.

نویسنده، فصل چهارم را که فصل پایانی است به علی (ع) و ولایت الهی اختصاص داده است که شامل این عناوین است: مباحث کلی ولایت، تجلی ولایت در نبوت و امامت، خاتم ولایت مطلقه، علی و زعامت اسلامی، پیام آیه مبارکه ولایت، پیام غدیر خم و سخنان بزرگان اهل اندیشه. تعبیر ولایت که از کلمات لطیف قرآنی است در عرفان به صورت گسترده طرح و تشریح شده است چون از بحثهای مهم در عرفان مسئله ولایت است. کلمه ولایت از نظر لغوی یعنی دو چیز به گونه‌ای کنار هم قرار گیرند که بین آنها چیزی که از خودشان نیست جای نگیرد.^{۱۱}

لازمه ولایت آن است که ولی از اختیارات ویژه‌ای در امور تحت ولایت خود برخوردار است. به گونه‌ای که هیچ موجود دیگری غیر از او چنین اختیاری ندارد. آنچه از معنای ولایت به دست می‌آید این است که ولایت نوعی قرب و نزدیکی است.

بی‌شک، ولایت در دو بُعد تکوین و تشریح از آن خدای سبحان است چرا که در تمام امور زندگی و شئون وجودی عالم و آدم، ولایت بدون منازع داشته و در هر چیز هرگونه که بخواهد حق تصرف دارد که در این مورد آیات فراوانی آمده است، اما انسان کامل به دلیل اینکه مظهر همه اسمای حسنیای خدای متعال است، گاهی مأمور و زمانی مآذون از طرف خداوند است که در قلمرو حکومت و حاکمیت مطلقه الهی وارد شود و بر شئون وجودی عالم و آدم ولایت نماید، اما در حقیقت ولایت انسان کامل به خدای سبحان بازمی‌گردد و او تنها مظهر اسم شریف «ولی» است. لذا در قرآن کریم آمده است: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا»^{۱۱} در پایان باید یادآور شد که با توجه به عنوان کتاب (آموزه‌های عرفانی از منظر امام علی (ع)) مؤلف در مباحث خود کمتر از